

بررسی حکم شرعی رؤیت هلال با چشم مسلح

محمد سمیعی

عضو شورای مرکز تقویم مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران

چکیده

این مقاله به بررسی حجیت رؤیت هلال با دوربین یا تلسکوپ از منظر فقه شیعه می‌پردازد. سپس با بیان مشابهاتی در ابواب مختلف فقه، این ملاک کلی نتیجه‌گیری می‌شود که اگر استفاده از یک حس در حکم شرعی، جنبه ابزاری داشته باشد تحولات فناوری و توسعه در آن به عنوان ابزار و رویه شرعی پذیرفته نخواهد بود و چون مشاهده هلال با چشم غیر مسلح نیز راهی برای علم به رؤیت‌پذیری آن است و خود رؤیت موضوعیتی ندارد بنابراین مشاهده هلال با چشم مسلح، به عنوان دلیل شروع ماه قمری، مقبول نیست.

واژه‌های کلیدی: موضوعیتِ رؤیت، طریقتِ رؤیت، حدّ ترخّص، تبیین، حجّیتِ رؤیت با ابزار و فهم سلیم فقهی.

مدخل

در روایات شیعه ملاک اصلی برای شروع ماه قمری، رؤیت هلال است (حرّ عاملی ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۲۵۲). ذیل روایات باب «ان علامه شهر رمضان و غیره رؤیة الهلال...»). در روزگار ما با توجه به امکان استفاده از انواع دوربین و تلسکوپ، می‌توان هلال‌هایی را رصد کرد که به هیچ وجه با چشم عادی قابل مشاهده نیستند و امکان دارد این اتفاق در چند ماه از یک سال قمری رخ دهد. ولی در این صورت آیا با توجه به ظاهر روایات، مشاهده با چشم مسلّح که نوعی از رؤیت محسوب می‌شود برای حکم به شروع ماه قمری کفایت می‌کند یا اینکه رؤیت مورد نظر شارع مقدّس، همان رؤیت با چشم عادی است که در زمان شارع جز آن امکانپذیر نبوده است؟

با توجه به اینکه سابقه استفاده از ابزار برای مشاهده هلال به دو سده اخیر بازمی‌گردد و با عنایت به اینکه استفاده روشمند از ابزار برای این کار، عمری بیش از چند دهه ندارد باید آن را از جمله مسائل مستحدثه فقهی دانست. از این رو مانند بسیاری دیگر از موضوعات مستحدثه، دور از ذهن نیست که ادبیات علمی این بحث نیز چندان قوی نباشد و به تبع اظهار نظرهای فقهی در این باب هم آن پختگی لازم را نداشته باشد. متأسفانه برای بسیاری از مباحث که در روزگار ما کاربرد چندان هم ندارد با ادبیات متورّم و برای بسیاری از مسائل مبتلابه روز،



بلکه برای بیشتر این‌گونه مسائل، با ادبیات ضعیف فقهی مواجه هستیم.

طرح چند پرسش

تأثیر تحول ابزاری که باعث گسترش دامنه حواس ما می‌شود در ابواب دیگر فقه نیز به چشم می‌خورد که در اینجا به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱. در ابواب نجاسات از کتاب طهارت، موارد بسیاری مشاهده می‌شود که دیدن و حس کردن عین نجاست، موضوع حکم شرعی است و برای مثال می‌توان به این روایت اشاره کرد (همان. ذیل «ابواب النجاسات»). باب ۳۷. ص (۴۶۷):

عن علي بن محمد (عليه السلام) في حديث قال سألته عن الفارة و الدجاجة و الحمام و اشباهها تطأ العذرة ثم تطأ الثوب يغسل؟ قال این کان استبان من اثره شيء فأغسله و الآ لا بأس.

[در حدیثی آمده که راوی از امام دهم (علیه‌السلام) سؤال کرد که حکم موش، مرغ یا کبوتر و مانند آنها که روی نجاست و سپس روی لباس راه می‌روند چیست؟ آیا باید لباس را شست؟ امام علیه‌السلام در پاسخ فرمودند: اگر اثر نجاست بر لباس قابل تشخیص است آن را بشوی، وگرنه اشکالی ندارد.]

سؤال: با توجه به توسعه ابزار و آلات، آیا مشاهده با میکروسکوپ هم همین حکم را دارد؟ یعنی اگر ذرات نجاست با میکروسکوپ قابل تشخیص باشد آیا در این صورت نیز لباس را باید شست یا ملاک، دیدن با چشم عادی است؟

۲. درباره احکام مسافر، اصطلاحی با عنوان «حدّ ترخص» تعریف شده

و فی المثل در وصف آن آمده است: حدّ ترخّص، مکانی است که دیوار خانه‌های شهر از چشم دور می‌ماند و صدای اذان در آن شنیده نمی‌شود (طباطبایی یزدی ۱۴۲۰، ص ۴۶۰).

سؤال: آیا مقصود، ناپیدا بودن دیوار خانه‌های شهر با چشم غیر مسلح است یا اگر با چشم مسلح هم دیوار منازل قابل رؤیت باشد هنوز مسافر به حدّ ترخّص نرسیده است؟ یا چنانچه صدای اذان با بلندگو پخش شود که قاعدتاً قابلیت شنیده شدن از مکان دورتری نیز خواهد یافت، آیا در این صورت ملاک صدای پخش شده از بلندگو است یا صدای عادی؟ البته حکم این مسأله را هم مرحوم طباطبایی یزدی بیان داشته است و هیچ‌یک از مراجعی که بر عروة الوثقی ایشان حاشیه نوشته‌اند نیز در این باره با آن مرحوم مخالفتی نکرده‌اند. صاحب عروة الوثقی در آن مسأله آورده است (همان فصل. ذیل «مسأله ۶۴»):

ملاک در چشم بیننده و گوش شنونده [یا] متوسط بینایی و شنوایی در هوای بدون غبار و باد و امثال آنها که مانع محسوب می‌شوند، است. پس در حالات غیر عادی، ملاک، حالت متوسط است کما اینکه در خصوص صدای بیش از حد عادی، به صدای متوسط توجه می‌شود.

۳. قرآن کریم (بقره / ۱۸۷) حدّ آغازین روزه را جدایی ریسمان سفید از ریسمان سیاه صبح دانسته و فرموده است:

و کلاوا و اشربوا حتی یتبین لکم الحیط الأبیض من الحیط الأسود من الفجر.

امروزه در شهرهای بزرگی مانند تهران که به سبب روشنی فضا بر اثر نور



بررسی حکم شرعی رؤیت هلال...

برق و یا به دلیل آلودگی هوا، ممکن است مدت جدایی سیاهی از سفیدی حدود ۲۰ دقیقه دیرتر از زمان اصلی آن مشهود شود تا جایی که به طور معمول در مناطق مسکونی امروزی جایی را نمی توان یافت که رأس ساعت فجر صادق، «تَبَيَّنَ» اشاره شده در آیه شریفه قابل تشخیص باشد، آیا «تَبَيَّنَ» مورد نظر در شرایط فعلی شهرها و مناطق مسکونی بشر امروزی مقصود است یا به شرایط آن زمان بازمی گردد؟

۴. نگاه به زن نامحرم یا به اصطلاح اجنبیه حرام است؛ چنان که در قرآن کریم (نور/۳۰) نیز می فرماید:

قل للمؤمنین يغضوا من ابصارهم...

[به مؤمنان بگو که چشمان خویش را فرو بندند...]

سؤال: آیا اگر این نگاه کردن، امروزه با چشم مسلح و برای مثال با دوربین یا تلسکوپ صورت گیرد باز هم حرام است یا خیر؟

بحث

مثال های مذکور، تنها بخش کوچکی از نظایر این گونه بحث ها در ابواب مختلف فقهی است. با کمی دقت در این شواهد، مشاهده می شود که موارد از یک سنخ نیستند؛ در سه مثال نخست، دیدن یا حس کردن، ابزاری برای دستیابی به یک مفهوم دیگر یا اندازه گیری آن است که، به اصطلاح، طریقیّت دارد. ولی در مثال چهارم، خود نگاه کردن موضوع حکم است که به اصطلاح موضوعیّت دارد.

شاید در جمع بندی بتوان گفت در مواردی که از یک حس به عنوان طریق

استفاده شده است تحول و تطوّر در حسّ و یا ابزار آن، تغییری در حکم نمی‌دهد. درحقیقت چون خود حسّ موضوعیت ندارد و فقط به عنوان مقیاس از آن استفاده شده است تغییر و تحول در آن نیز تأثیری در اصل مسأله نمی‌گذارد؛ چنان‌که ملاک، قدرت حسّی افراد عادی است و احساس‌های خارق‌العاده یا ضعف افراد خاص مقصود نیست.

برای مثال در سنجش «حدّ ترخّص» - به گونه‌ای که در مثال دوم هم دیدیم - از دیدن و شنیدن به عنوان ابزار اندازه‌گیری استفاده شده و بنابراین ملاک را قدرت متوسط این دو قرار داده و هیچ‌یک از فقها نیز قابل به اعتبار مشاهده با چشم مسلّح نشده‌اند. همچنین شنیدن صدای اذان شهر که با بلندگو تقویت شده باشد مورد نظر شارع نیست؛ یعنی در حقیقت دیدن یا شنیدن، تنها علامت‌هایی برای سنجش یک فاصله طولی مشخص (مثلاً یک فرسخ) هستند. نظیر این موارد می‌توان به مقیاس‌های وزنی قدیم اشاره کرد. برای مثال اگر نخود به عنوان مقیاس سنجیدن وزن قرار می‌گرفت و ملاک، میزان متوسط وزن آن بود آن‌گاه در صورتی که مثلاً در یک سال، به خاطر بارندگی بیشتر، نخودها درشت‌تر و سنگین‌تر می‌شد آیا اوزان تمام اجناس، به خاطر سنگین‌تر شدن نخود محصول آن سال، تغییر نمی‌کرد؟!

اما در مثال چهارم مسأله فرق می‌کند و خود دیدن، موضوعیت دارد. بنابراین هیچ فقیهی، بینایی یک شخص با قدرت دید بیش از حدّ متوسط را از عموم حکم حرمت نظر مستثنی نمی‌کند و لذا در این‌گونه موارد تحول و تطوّر مصادیق دیدن، همچنان حکم حرمت را به همراه خود خواهد داشت. بنابراین در مسأله مورد بحث، یعنی رؤیت هلال با چشم مسلّح، باید ببینیم



که آیا رؤیت موضوعیت دارد یا طریقیّت؟ یعنی آیا نفس دیدن موضوع حکم است یا رؤیت پذیری هلال با چشم معمولی، مورد نظر است؟ اگرچه هلال به خاطر وجود مانع مشاهده نشود.

شهید محمد باقر صدر (ص ۶۲۳) در این باره آورده است:
امکان رؤیت، میزان است نه خود رؤیت. زیرا گاهی رؤیت محقق نمی‌شود، چون ناظر تمرین لازم را برای استهلال ندارد یا ابر یا مانع دیگری در افق است ولی هلال به نحوی که رؤیت‌پذیر باشد در افق موجود است و در چنین مواردی شرعاً ماه قمری شروع شده است. به عبارت دیگر وجود مانعی مانند ابر و غبار، مقیاس را تغییر نمی‌دهد؛ زیرا معیار، رؤیت‌پذیری در حالتی است که مانعی در فضا نباشد.

در این خصوص همچنین نقل شده است (جعفر سبحانی ۱۳۷۸، ص ۱۴۴):

روزه و افطار اگرچه در بسیاری از روایات بر رؤیت مترتب شده است ولی رؤیت، تنها طریق برای آگاهی از خروج ماه از محاق است. زیرا:

۱. شهادت دو شاهد عادل جای رؤیت را می‌گیرد و این دلیل آن است که رؤیت، صرفاً کاشف است و اگر حجّت شرعی دیگری کشف از هلال کند، می‌تواند جایگزین آن شود.

۲. سپری شدن ۳۰ روز از ابتدای ماه سابق، نشانگر وارد شدن به ماه نو است.

۳. وجوب قضای روزه بوم‌الاشک هنگامی که به خاطر ثابت نشدن ماه، روزه نگیرد و بعداً معلوم شود که هلال دیده شده است.

۴. هنگامی که هلال در شب ۲۹ دیده شود (و به حساب قبلی ماه ۲۸ روزه باشد) و معلوم گردد که از ماه رمضان یک [روز] را روزه نگرفته است.

۵. هنگامی که به نیت روز آخر شعبان (استحباً) روزه بگیرد و سپس معلوم شود که جزو ماه رمضان بوده است، روزه صحیح است.

تمام فروع مذکور، منصوص است و علما مطابق آن فتوا داده‌اند و

این نشان می‌دهد که رؤیت هلال صرفاً طریقیّت دارد که نشان دهد ماه در افق به هنگام مغرب موجود بوده است.

ظاهراً دو نظریه اخیر، با استنتاج صحیح فقهی مطابق است و گرچه برخی از دلایل مذکور بر مدّعا دلالت نمی‌کند ولی چون عرف به طور معمول از ظاهر روایاتی که تشخیص حسی را معتبر می‌داند طریقیّتِ حَس را می‌فهمد، می‌توان بسادگی نتیجه گرفت که رؤیت هلال صرفاً طریقیّت دارد و نشانگر رسیدن ماه به نقطه‌ای از مدار است که با چشم عادی رؤیت شود. البته نگارنده در جایی ندیده است که فقهی قایل به موضوعیّت داشتن رؤیت در باب هلال باشد.

بر اساس تفکیکی که بین طریقیّت و موضوعیّت قایل شدیم می‌توان دریافت که ملاک صرفاً رؤیت‌پذیری ماه با چشم غیر مسلح است. بنابراین تغییر و تحولات در ابزار و همین‌طور موارد استثنایی رؤیت، از موارد حکم نیست و برای مثال اگر دو فرد استثنایی با قدرت بینایی دو برابر حالت معمول، شهادت به رؤیت دهند در حالی که دیگرانی که برای رؤیت رفته‌اند نتوانسته باشند هلال را ببینند، شهادت آن دو پذیرفته نمی‌شود؛ چنان‌که نصوص هم بر این استنتاج صحیح گذاشته و در مجموعه روایات شیعه (مغری ملایری ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۰۵) چند روایت وارد شده که از ترتیب اثر دادن به این موارد، جلوگیری کرده است. مضمون این روایات - مذکور در تمام کتب اربعه - این است که بی‌توجهی تنها وقتی قابل قبول است که مورد تأیید قاطبه کسانی باشد که اقدام به رؤیت کرده‌اند؛ چنان‌که ندیدن هلال به توسط کسی که از قدرت بینایی کمتر از متوسط برخوردار است مشکلی ایجاد نمی‌کند.



بر همین اساس، تحول و تطوّر ابزار رؤیت در مدتِ زمان هیچ اثری در حکم شرعی نخواهد گذارد و این «فهم سلیم» فقهی در کلام بسیاری از فقها نیز مشاهده می‌شود.

از جمله آیه‌الله العظمی خوئی (ص ۱۲۳) که معتقد است:

طبق نصوص پیش‌گفته، ملاک رؤیت است و شهادت دو شاهد که خودشان با قدرت حسّ بینایی عادی هلال را دیده باشند، و این شهادت نباید بر اساس روشی فنی یا بر پایه‌ی میزان ارتفاع ماه در شب بعد باشد. از اینجا دانسته می‌شود که رؤیت با چشم مسلّح به وسیله‌ی دوربین‌های جدید و تلسکوپ و مانند آن، در مواردی که با چشم عادی رؤیت‌پذیر نباشد، معیار نیست. البته اشکالی ندارد [که] به کمک ابزار، محل دقیق ماه مشخص و سپس با چشم غیر مسلّح دیده شود؛ پس اگر هلال با چشم غیر مسلّح رؤیت‌پذیر بود ولو با کمک مقدماتی ابزار، کافی است و هلال ثابت می‌شود.

سپس شهید محمدباقر صدر (ص ۶۲۳) در این باره تصریح می‌کند:

رؤیت با چشم مسلّح و با استفاده از ابزار، ارزشی ندارد و میزان صرفاً رؤیت‌پذیری با چشم عادی غیر مسلّح است. در این زمینه ابزار فقط می‌تواند به عنوان کمک کار راصد مورد استفاده قرار گیرد.

آیه‌الله سبحانی (ص ۱۲۴) نیز در این زمینه آورده است:

چنان‌که گذشت، موضوع رؤیت است. ولی آیا رؤیت منصرف به قدرت بینایی متعارف است یا شامل قدرت بینایی فوق‌العاده هم می‌شود و در هر صورت آیا موضوع، رؤیت با چشم غیر مسلّح است یا شامل رؤیت با چشم مسلّح با تلسکوپ نیز می‌شود؟ نظر مشهور فقها نظر اول است، یعنی رؤیت افراد با قدرت دید خارق‌العاده کفایت نمی‌کند؛ همان‌گونه که رؤیت با ابزار کفایت نمی‌نماید و این نیست مگر به دلیل انصراف رؤیت در نصوص به رؤیت با چشم عادی.



البته این بدان معنا نیست که استفاده از ابزار رصدی هیچ‌گونه تأثیری در رؤیت هلال ندارد، چنان‌که شهید محمد صدر نیز در این خصوص معتقد است:

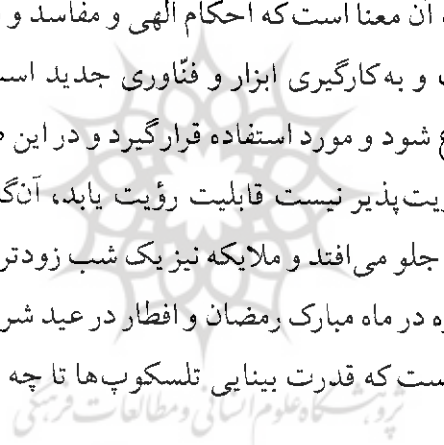
ثبوت هلال با رصد نجومی حجّیت شرعی ندارد و باید با چشم طبیعی غیر مسلّح رؤیت صورت پذیرد. چنانچه رؤیت با چشم غیر مسلّح اشخاصی که قدرت بینایی فوق‌العاده دارند - بنا بر احتیاط - ... ثابت نشد، باید سی روز را تکمیل کرد. علی‌رغم این نکته باز می‌توان در مواردی از ابزار نجومی در رؤیت شرعی بهره گرفت؛ البته به شرطی که راصد[ان] دو فرد عادل خیره باشند یا اطمینان عقلایی مقبول نسبت به آنان ایجاد شود. آن موارد عبارت‌اند از:

نخست تعیین وجود هلال در موردی که شخصی ادعای رؤیت کند ولی راصد نجومی بگوید که با ابزار هم قابل رؤیت نبوده است؛ دوم تعیین این نکته که هلال با چشم غیر مسلّح قابل رؤیت نیست، اگرچه با ابزار دیده شده باشد. در این صورت اگر کسی ادعای رؤیت کند پذیرفته نمی‌شود؛ سوم تعیین این که هلال موجود نیست از این ناحیه که راصدان مختلف نتوانسته‌اند آن را رؤیت کنند؛ چهارم تعیین محل هلال. پس اگر شخصی ادعا کند در محل دیگری از آسمان هلال را دیده است پذیرفته نمی‌شود. علاوه بر آنکه تعیین محل هلال به استهلال‌کنندگان کمک می‌کند؛ پنجم تعیین شکل هلال و زاویه آن. پس اگر شخصی ادعای رؤیت هلال به شکل دیگری کرد پذیرفته نمی‌شود؛ ششم تعیین اینکه هلال به گونه‌ای است که با چشم غیر مسلّح قابل رؤیت باشد که این خود نتایجی دارد: اولاً امکان استهلال را ثابت می‌کند، به خلاف مواردی که هلال از شدت باریکی قابل رؤیت با چشم غیر مسلّح نباشد. ثانیاً امکان تصدیق مدعی رؤیت. ثالثاً ممکن است همین مقدار در ثبوت اول ماه کافی باشد، اگرچه رؤیت با چشم غیر مسلّح انجام نگیرد. زیرا ملاک، رؤیت‌پذیری است، اگرچه بالفعل دیده نشود؛ هفتم تعیین مدت محاق



[است] و این نتایج دارد: اولاً عدم نیاز به استهلال در مدت محاق. ثانیاً عدم قبول از ادعاکننده رؤیت در این مدت. ثالثاً استهلال در پایان مدت محاق.

فرجام سخن

آنچه بیان شد تحلیل منطقی از مسأله و ارائه برهان حلی برای آن بود ولی از سوی دیگر قبول حجیت رؤیت با چشم مسلح، موجب مشکلات عدیده می‌گردد و با برهان خلف قابل نقض است. چه اگر مشاهده با ابزار، حجیت شرعی داشته باشد به آن معنا است که احکام الهی و مفاسد و مصالح اعمال عبادی، تابع پیشرفت و به‌کارگیری ابزار و فناوری جدید است. یعنی اگر تلسکوپ قوی اختراع شود و مورد استفاده قرار گیرد و در این صورت هلالی که با چشم عادی رؤیت پذیر نیست قابلیت رؤیت یابد، آن‌گاه برای مثال شب قدر یک شب به جلو می‌افتد و ملایکه نیز یک شب زودتر نزول می‌کنند و مصلحت مُلزمهٔ روزه در ماه مبارک رمضان و افطار در عید شریف فطر، همه و همه، منوط به آن است که قدرت بینایی تلسکوپ‌ها تا چه حدی افزایش پیدا کند؟! 

دشواری، آنجا فزونی می‌یابد که قدرت تلسکوپ‌های غیر متعارفی مانند هابل را در نظرگیریم که با داده‌های رصدی معمول بسیار متفاوت است و از آن دشوارتر این‌که اگر فرض کنیم قدرت تلسکوپ‌ها آن قدر فزونی یابد که جدایی زاویه‌ای پنج درجه را هم بتوانند رصد کنند - که البته دور از انتظار نیست - در مواردی که عرض ماه پنج درجه باشد بی‌تردید محاق مستفی

خواهد شد! یعنی امکان دارد قبل از حدوث مقارنه، ماه در مغرب رؤیت شود که تبعات عجیبی در پی خواهد داشت.

مآخذ

- علاوه بر قرآن کریم.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ هـ.ق. وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- خویی، سید ابوالقاسم. ۱۴۲۱ هـ.ق. المستند فی شرح العروة الوثقی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خویی.
- سبحانی، جعفر. ۱۳۷۸ هـ.ش. الصوم فی الشریعة الغراء. قم: مؤسسه الامام الصادق (ع). صدر، سید محمد. ۱۴۱۹ هـ.ق. فقه الموضوعات الحدیثة. بیروت: دار الاضواء.
- صدر، محمد باقر. ۱۴۰۱ هـ.ق. الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب اهل البيت (ع). بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم. ۱۴۲۰ هـ.ق. العروة الوثقی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مغری ملایری، اسماعیل (گردآوری). ۱۳۷۴ هـ.ش. جامع احادیث الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

